

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجتمع علوم انسانی
دانشکده زبان و ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

مقایسه زبان غزل‌های هوشنگ ابتهاج (۱.۰.۵ سایه) در مقایسه با زبان غزل‌های حافظ

استاد راهنما:

دکتر سیدجمال الدین مرتضوی

استاد مشاور:

دکتر سیدمحمد حسینی شبانان

پژوهش و نگارش:

طیبه جعفری

زمستان ۱۳۸۴

۱۰۵۳۴

دفتر اطلاعات مرکز علمی پژوهشی
گیلان

۱۳۸۶/۱۲/۱-۵

تقدیم بہ :

دوستان ہمیشہ مہربانم

کبریٰ بہمنی

سکینہ عباسی

روح اللہ ہاشمی

سپاس نامه

آنچه در این پژوهش گرد آمده همه مدیون راهنماییها، کمکها و همراهی های بی دریغ اساتید بزرگوار و دوستان مهربانی است که سپاسگذاری این جانب از ایشان تنها بهانه ایست برای آنکه نخستین اوراق این دفتر به نام بزرگشان زینت یابد.

در راستای تهیه و تنظیم این پژوهش آنچه بیش از همه راهگشای من بود از یک سو راهنمایی هاو زحمات استاد ارجمندم جناب آقای دکترسید جمال الدین مرتضوی بود که علی رغم عدم حضورشان در دانشگاه یزد ومشکلاتی که به تبع آن وجود داشت از هیچ کمکی به اینجانب دریغ نفرمودند و ازدیگرسوی این پژوهش وامدار راهنمایی و نکته سنجیهای استاد گرامی ام جناب آقای دکتر یدالله جلالی پندری است که راهنمایی و مشاوره پایان نامه من برعهده ایشان نبود اما لطف بی دریغشان را شامل حال بنده نموده ودر بسیاری ازمزمینه ها راهگشای مشکلات و رفع نواقص وکاستیهای پژوهش حاضر بودند.

همچنین جای دارد که از جناب آقای دکترمحمد حسینی شبانان که مشاوره این پژوهش را برعهده داشته و در تهیه و تنظیم آن مرا یاری فرمودند تشکر نمایم.

از ریاست محترم دانشکده جناب آقای دکترسید محمود الهام بخش نیز کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از دوستان عزیزم سرکارخانم مهری زینی و منشی محترم گروه زبان وادبیات فارسی سرکارخانم حمیده مطهری نیا که لطف و محبتشان در این مدت شامل حال من بود سپاس فراوان دارم.

و اما آنچه از عمده آن برنمی آیم تشکر وسپاس از لطف و محبت بی دریغ کسانی است که در طول این یک سال همراه همیشگی تمام لحظه هایم بودند، دوستان خوبم خانم سکینه عباسی، خانم کبری بهمنی و آقای روح الله هاشمی. مهربانی ومحبت ایشان همیشه درخاطرم خواهد ماند. در پایان مثل همیشه قدر دان مادری هستم که هرچه دارم از اوست، عموی مهربانی که همیشه و همه جا یاریگر من بوده است و خواهر و برادران عزیزمی که هیچ گاه مهربانی و لطفشان را از من دریغ نداشته اند.

طیبه جعفری

باسمه تعالی



مدیریت تحصیلات تکمیلی

صورتجلسه دفاعیه پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

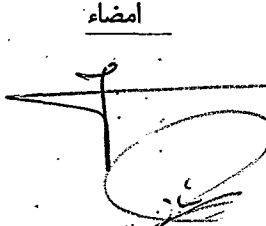


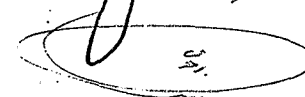
جلسه دفاعیه پایان نامه تحصیلی خانم طیبه جعفری


دانشجوی کارشناسی ارشد مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، در رشته/ گرایش زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان: بررسی زبان غزلهای هوشنگ ابتهاج در مقایسه با زبان غزلهای حافظ

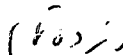
در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۷

و تعداد واحد: ۴

امضاء	نام و نام خانوادگی	با حضور اعضای هیات داوران متشکل از:
	دکتر سیدجمال الدین مرتضوی	۱- استاد راهنما
	دکتر سیدمحمد حسینی شبانان	۲- استاد مشاور
	دکتر سیدمحمود الهام بخش	۳- داور داخل گروه
	دکتر عباس برهانی	۴- داور خارج از گروه

تشکیل گردید و پس از ارزیابی پایان نامه توسط هیات داوران، با درجه  و نمره:

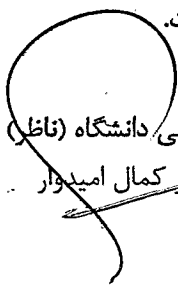
مورد تصویب قرار گرفت.

به عدد ۱۹ به حروف  نمره ده شد

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه (ناظر)

نام و نام خانوادگی: دکتر کمال امیدوار

امضاء:



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: مبانی تحقیق	
۱-۱- تعریف موضوع.....	۴
۲-۱- سؤالات پژوهشی.....	۴
۳-۱- روش تحقیق.....	۵
۴-۱- تاریخچه (پیشینه تحقیق).....	۵
۵-۱- اهداف طرح.....	۶
۶-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۶
۷-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۷
فصل دوم: زندگی و آثارهوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه)	
۱-۲- زندگی.....	۹
۲-۲- فعالیت‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی سایه.....	۱۲
۳-۲- آثار و اشعار ابتهاج.....	۱۶
۱-۳-۲- اشعار ابتهاج.....	۱۶
۲-۳-۲- آثار ابتهاج.....	۲۳
۳-۳-۲- گفتارها و گفتگوهای ابتهاج.....	۲۴
فصل سوم: غزل فارسی از آغاز تا امروز	
۱-۳- معنی لغوی غزل.....	۲۷
۲-۳- غزل در اصطلاح ادبی.....	۲۷
۳-۳- غزل و موسیقی.....	۲۷
۴-۳- منشاء غزل فارسی.....	۳۱
۵-۳- سیر تحول محتوایی غزل.....	۳۲
۱-۵-۳- رمانتیسم در آثار ابتهاج.....	۴۲
۵-۳- سیر تحول زبانی غزل.....	۴۵
فصل چهارم: روساخت غزل ابتهاج در مقایسه با غزل حافظ	
۱-۴- توازن.....	۵۲
۱-۴-۱- توازن آوایی.....	۵۳

- ۵۴..... ۴-۱-۱-۱- توازن واجی
- ۶۳..... ۴-۱-۱-۲- توازن هجایی
- ۷۲..... ۴-۱-۲- توازن واژگانی
- ۷۳..... ۴-۱-۲-۱- تکرار آوایی کامل
- ۷۳..... ۴-۱-۲-۱-۱- تکرار آوایی کامل در پایان ابیات : ردیف
- ۷۹..... ۴-۱-۲-۲-۱- تکرار آوایی کامل در طول مصراع یا بیت
- ۷۹..... ۴-۱-۲-۱-۲-۱- رد العجز علی الصدر
- ۸۴..... ۴-۱-۲-۱-۲-۲- رد الصد علی العجز
- ۸۸..... ۴-۱-۲-۱-۲-۳- تکرار
- ۹۳..... ۴-۱-۲-۱-۲-۴- رد المطلع
- ۹۶..... ۴-۱-۲-۱-۲-۵- رد القافیه
- ۹۸..... ۴-۱-۲-۱-۲-۶- جناس مرکب
- ۹۹..... ۴-۱-۲-۱-۲-۷- جناس تام
- ۱۰۰..... ۴-۱-۲-۲- تکرار آوایی ناقص
- ۱۰۱..... ۴-۱-۲-۲-۱- قافیه
- ۱۰۵..... ۴-۱-۲-۲-۲-۲- سجع
- ۱۰۶..... ۴-۱-۲-۲-۲-۱-۲-۲- سجع متوازن
- ۱۰۸..... ۴-۱-۲-۲-۲-۲-۲- سجع متوازی
- ۱۰۹..... ۴-۱-۲-۲-۲-۲-۳- سجع مطرف
- ۱۱۱..... ۴-۱-۲-۲-۲-۲-۴- ازدواج
- ۱۱۴..... ۴-۱-۲-۲-۲-۲-۵- ترصیع
- ۱۱۵..... ۴-۱-۲-۲-۲-۲-۶- موازنه
- ۱۱۷..... ۴-۱-۲-۲-۳- جناس
- ۱۱۷..... ۴-۱-۲-۲-۳-۱- جناس زاید
- ۱۱۹..... ۴-۱-۲-۲-۳-۲- جناس اشتقاق
- ۱۲۱..... ۴-۱-۲-۲-۳-۳- جناس مضارع
- ۱۲۲..... ۴-۱-۳- توازن نحوی
- ۱۲۳..... ۴-۱-۳-۱- همشین سازی نقشی
- ۱۲۵..... ۴-۱-۳-۱-۱- تنسیق الصفات

۱۲۶ اعداد ۴-۱-۳-۲-۱
۱۲۷ لف و نشر ۴-۱-۳-۳-۱
۱۲۹ جانشین سازی نقشی ۴-۱-۳-۱-۴
۱۲۹ قلب ۴-۱-۳-۲-۱
۱۳۶ فصل پنجم: ژرف ساخت
۱۳۷ ۱-۵- محور هم نشینی
۱۴۰ ۱-۱-۵- ترکیبات زمانی
۱۴۲ ۲-۱-۵- بیان پارادوکسی یا متناقض نما
۱۴۴ ۳-۱-۵- مراعات النظیر
۱۴۸ ۴-۱-۵- تضاد
۱۵۲ ۵-۱-۵- مجاز
۱۵۸ ۶-۱-۵- ایهام
۱۶۳ ۲-۵- محور جانشینی
۱۶۵ ۱-۲-۵- صفت هنری
۱۶۸ ۲-۲-۵- کنایه
۱۷۳ ۳-۲-۵- حس آمیزی
۱۷۷ ۴-۲-۵- تشبیه
۱۸۸ ۵-۲-۵- استعاره
۲۰۶ پایان سخن
۲۱۸ فهرست منابع و ماخذ
۲۲۳ فهرست نمودارها

چکیده

همه آفاق گرفته است صدای سخنم
تو از این طرف نبندی که ببندی دهنم -

دوران شاعری امیر هوشنگ ابتهاج زمانی آغاز می شود که وی نوزده سال بیشتر ندارد. شعرهای آغازین او که در فاصله سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ سروده شده است در سال ۱۳۲۵ در مجموعه‌ای تحت عنوان «تخستین نغمه‌ها» در رشت منتشر می‌شود. اشعار این مجموعه که حکایت شور و عشق و جوانی و دلدادگی است به لحاظ روانی زبان و الفاظ و شکل طبیعی وزن و قافیه تحت تاثیر غزل‌های سعدی و حافظ است.

و اما کارنامه غزل سرایی ابتهاج از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ کارنامه درخشانی نیست علت آن نیز آشنایی او با نیما و پروان مکتب نیمایی و گرایش به سرودن شعر در قالب نو به سبک و سیاق «افسانه» و «مرغ آمین» است که نتیجه آن نیز پدید آمدن چندین دفتر شعری چون «سراب»، «شبگیر»، «چند برگ از یلدا»، «زمین» و «یادگار خون سرد» از اوست.

پس از یک رکود سه چهار ساله، در فاصله بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۷۴ چهار دفتر شعری در قالب غزل ابتهاج منتشر می‌شود.

آشنایی و انس ابتهاج با غزل حافظ و پژوهش ده ساله وی در دیوان حافظ سبب می شود تا وی در این چهار مجموعه، بیش از همه، تحت تاثیر حافظ باشد. مضامین گیرا و دلکش و صور خیال بدیع و تشبیهات و استعارات نو و زبان روان و ساده و خوش ترکیب و در عین حال جزم و استوار غزل‌های ابتهاج در این چهار دفتر شعری نمایانگر پیروی وی از شیوه حافظ است.

استفاده از اوزان متوسط و جویباری، که مناسب مضامین غنایی است، ایجاد موسیقی مناسب و هماهنگ با مضمون از طریق تکرار مصوتها و صامت‌های مختلف در طول بیت یا غزل، بسامد بالای سجع و جناس، کاربرد گونه‌های مختلف تکرارهای آوایی ناقص و کامل در حوزه واژگان و ایجاد موسیقی با به کار بردن لف و نشر و قلب و بسیاری صناعات دیگر همه از ویژگی‌های بارز و ساخت زبان غزل‌های حافظ است که به تبع آن در غزل ابتهاج نیز دیده می شود.

در حوزه ژرف ساخت غزلها، ذهنیت استعاره گرای ابتهاج سبب گرایش وی به پیروی از حافظ شده است در محور جانشینی زبان، کاربرد استعاره و تشبیه در غزل حافظ و ابتهاج برجستگی ویژه‌ای دارد. تبدیل کردن پدیده‌ها به «ابژه» در نتیجه ذهنیت قوی جاندار انگارانه

(عملکرد عنصر آنیمیسیم) از طریق دو صنعت تشبیه و استعاره سبب شده تا جاندار پنداری (آنیمیسیم) در غزل آنها بسامدی چشمگیر بیابد.

در محور هم نشینی کلام آنچه بیش از همه در غزل هر دو شاعر کاربرد دارد، تضاد است، که شاید بتوان آن را ناشی از تضادی دانست که در دوره هر دو شاعر در لایه‌های مختلف اجتماع دیده می‌شود.

به هر روی نزدیکی زبان غزل‌های ابتهاج و غزل‌های حافظ چه به لحاظ ژرف ساخت و چه به لحاظ رو ساخت و پیروی وی از سبک عراقی که مناسب‌ترین سبک برای بیان مضامین غنایی است، چنان است که هنگام بررسی و پژوهش در غزل‌های ابتهاج غلبه طرز غزل حافظ در آن به وضوح دیده می‌شود.

در کنار سلطه عینی و نمود بارز ساختار غزل‌های حافظ بر غزل ابتهاج، آشنایی وی با شعر نیمایی و سرودن چندین دفتر شعری در این قالب سبب شده تا غزل‌های او تا حدی نیز تحت تأثیر شعر نیمایی قرار بگیرد که در این زمینه کاربرد اندک ردیف در اشعار ابتهاج، در مقایسه با حافظ و تنوع وزنی بیشتر غزل‌های او به نسبت اوزان به کار رفته در دیوان حافظ از نمونه‌های چشمگیر این تأثیر به شمار می‌رود.

به طور کلی پیروی ابتهاج در طرز غزل از حافظ و نزدیکی زبان غزل‌های او به زبان غزل‌های حافظ چنان است که می‌توان او را یکی از موفق‌ترین پیرامون حافظ از قرن هشتم تا عصر حاضر دانست به گونه‌ای تاکنون که هیچ‌کس مانند او نتوانسته به نقطه اوجی که حافظ در غزل سرایی بدان دست یافته است نزدیک شود.

پیشگفتار

هشتاد سال از عمر مردی می‌گذرد که جامعه ادبی این سرزمین وامدار خدمات ارزنده او در بسیاری از زمینه‌ها است. اما آنچه بیش از همه او را شهره آفاق کرده است چامه‌های شیوا و دلنشین اوست؛ چامه‌هایی که از یک سو حکایت دل و دلدادگی و وصل و هجران است و از دیگر سوی قصه اندوه سبزه‌های پریشان و بی کس نسترن و اندیشه‌های سوخته ارغنون.

در غزل او یک جا سخن از دل عاشق است و بانگ شکست آن که به هفت آسمان می‌رود و جایی دیگر حکایت از بودن و نبودن و سینه سینه دردی است که هزاران شعله سوزان در دل بلوچ و کرد و لر و ترک و گلیه مرد و در یک کلام تمام آنانی افکنده که در طول اعصار تاوان ایرانی بودن خویش را می‌پردازند و از همیشه تاریخ مورد ستم بوده و هستند.

چامه‌های ابتهاج گاهی بوی درد دارند و گاهی بوی درد. یک جا واژه واژه آن از شور و مستی و شعف سرشارند و پای کوبان و دست افشان تداعی گر سماع صوفیان طریقت مولویه‌اند و جایی دیگر حال و هوا و طراوت و تازگی «افسانه» و «مرغ آمین» نیما را دارند. اما آنچه بیش از همه در این غزله‌ها طنین افکنده و بدان نام و آوازه و ماندگاری بخشیده رنگ و بوی غزلهای حافظ است.

تأثیرپذیری ابتهاج در غزل از حافظ به خصوص به لحاظ ساختار و زبان تا حدی است که وی را «حافظ زمانه» نامیده‌اند.

در این پژوهش به بررسی زبان غزلهای هوشنگ ابتهاج در مقایسه با زمان غزلهای حافظ پرداخته شده است. در فصل دوم شمه‌ای از زندگی ابتهاج برای آشنایی بیشتر خوانندگان با وی ارائه شده است که بخشی از آن نیز به بررسی آثار و اشعار او اختصاص دارد. فصل سوم این پژوهش مربوط می‌شود به بررسی غزل از آغاز تا کنون و سیر آن به لحاظ محتوایی و ساختاری.

فصل چهارم و پنجم پژوهش حاضر از فصول اصلی آن بوده و در آن به بررسی زبان و ساختار غزلهای هوشنگ ابتهاج در مقایسه با زبان غزل حافظ پرداخته شده است. در فصل چهارم رو ساخت غزلهای مورد بررسی قرار گرفته که در تهیه و تنظیم طرح آن جلد اول از زبان شناسی به ادبیات دکتر کورش صفوی اساس کار قرار گرفته است. در این فصل رو ساخت غزلهای در سه گروه توازن آوایی، توازن واژگانی و توازن نحوی بررسی شده و در هر زیر گروه پس از بررسی غزل حافظ در حوزه مورد نظر، غزل ابتهاج نیز مورد بررسی قرار گرفته و شباهتها و تفاوتها بیان شده است. در پایان فصل نیز با ارائه نموداری کلی بر اساس آنچه در طی فصل بدان پرداخته شده، نتیجه گیری نهایی که مربوط به رو ساخت غزلهای ابتهاج در مقایسه با حافظ است، داده شده است.

فصل پنجم اختصاص دارد به بررسی زبان غزلهای ابتهاج از نظر ژرف ساخت. این فصل بر اساس دو محور هم نشینی و جانشینی تهیه و تنظیم شده و در آن تمامی عناصر زبانی که باعث

ایجاد موسیقی معنوی در شعر حافظ و به تبع آن غزل ابتهاج شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در پایان این فصل نیز همچون فصل چهار نموداری از بسامد هر کدام از عناصر مورد بررسی در طول فصل ارائه شده و از آن در بیان نتیجه حاصل از مقایسه ژرف ساخت غزل ابتهاج و حافظ استفاده شده است.

صفحات پایانی این پژوهش نیز اختصاص دارد به نتیجه گیری کلی و بیان برخی ویژگیهای خاص زبانی غزل ابتهاج که در قالب چهار نوع فراهنجاری؛ یعنی فراهنجاری زمانی، سبکی، واژگانی و نحوی مورد بررسی گرفته است.

فصل اول: مبادی تحقیق

- ۱-۱- تعریف موضوع
- ۱-۲- سؤالات پژوهشی
- ۱-۳- روش تحقیق
- ۱-۴- تاریخچه (پیشینه تحقیق)
- ۱-۵- اهداف طرح
- ۱-۶- اهمیت و ضرورت تحقیق
- ۱-۷- کاربرد نتایج تحقیق

فصل اول: مبادی تحقیق

۱-۱- تعریف موضوع:

غزل فارسی که به شکل و معنی مصطلح آن نخستین بار در آثار شهید بلخی دیده می‌شود، از آغاز تا کنون یک حیات هزار ساله را با شکوه تمام پشت سر نهاده است. این جریان شعری در قرن ششم توسط سنایی به دوشاخه جدا از یکدیگر تقسیم شد و از آن پس غزل پردازان در عرصه غزل و غزل سرایی در دو شاخه عارفانه گویی و عاشقانه گویی، چامه‌های شیوا و ماندگاری پدید آوردند تا اینکه در قرن هشتم، بزرگ مرد میدان غزل، حافظ شیرازی این دو جریان را که به صورت موازی به حیات خویش ادامه می‌داد به یکدیگر پیوند زد و غزل‌هایی عارفانه عاشقانه سرود. از آن پس پیروی از حافظ و سرودن غزل به شیوه او مورد توجه بسیاری از شاعران سنت‌گرای زبان و ادب فارسی واقع شد. در زمان حاضر نیز بسیاری از شاعران در این قالب شعری طبع آزمایی می‌کنند. یکی از بزرگترین غزل‌سرایان معاصر هوشنگ ابتهاج متخلص به (هـ. ۱. ابتهاج) است. مجموع غزل‌های وی که در آغاز در چهار دفتر جدا از هم تحت عنوان «سیاه مشق ۱ و ۲ و ۳ و ۴» منتشر شده، حدود ۱۳۰ غزل است که در یک مجموعه تحت عنوان «سیاه مشق» توسط نشر کارنامه گردآوری شده است. در غالب این غزل‌ها عناصر شعری مشترکی با شاعران دیگر به خصوص حافظ دیده می‌شود. توجه ابتهاج در شیوه غزل به حافظ و پیروی از او تا حدی است که وی را «حافظ زمانه» نامیده‌اند. بر این اساس در این پژوهش بررسی ساختار و زبان غزل‌های ابتهاج بر محوریت ویژگی‌های زبانی غزل‌های حافظ صورت گرفته است تا میزان موفقیت ابتهاج در پیروی از حافظ مشخص شود.

۱-۲- سؤالات پژوهشی:

- ۱- ابتهاج در غزل‌هایش از نظر زبانی چه تأثیری از حافظ پذیرفته است؟
- ۲- ابتهاج در گزینش زبان غزل‌هایش تا چه حدی به ابتکار و نوآوری دست زده است؟
- ۳- میزان تأثیر زبان شعر نیمایی بر زبان غزل‌های ابتهاج تا چه حد است؟

۱-۳- روش تحقیق:

روش تحقیق در این پایان نامه تحلیلی توصیفی، از نوع بنیادی و به شیوه کتابخانه‌ای است به این ترتیب که ابتدا رو ساخت غزل‌های ابتهاج بر اساس مبانی مطرح شده در کتاب « از زبان شناسی به ادبیات» کورش صفوی (۱۳۸۰)، در سه زیر گروه توازن آوایی، توازن واژگانی و توازن نحوی بررسی می‌شود. سپس در هر یک از این مقولات مقایسه‌ای بین شعر ابتهاج و حافظ انجام شده و نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر آورده می‌شود.

در فصل دیگری از این پژوهش به بررسی ژرف ساخت غزل‌های ابتهاج در مقایسه با شعر حافظ پرداخته می‌شود. مقوله‌های مورد بررسی در این فصل بر اساس دو محور جانمایی و هم نشینی که از اصول مطرح شده توسط زبان شناسان ساختارگراست، تنظیم می‌شود. در این پژوهش بررسی کتبی که حاوی نظریات و ارائه نمونه‌های کاربرد زبان در شعر فارسی به خصوص غزل است و مطالعه دیدگاه دیگر ناقدان و شارحان در زمینه ساختار غزل‌های ابتهاج و حافظ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بدین ترتیب میزان پیروی ابتهاج از شیوه غزل حافظ و درصد موفقیت وی در این زمینه مشخص می‌شود.

۱-۴- تاریخچه (پیشینه تحقیق):

به طور کلی آنچه امروزه به بررسی متن شاعرانه مربوط می‌شود، ارتباط مستقیم با فرایند تحولات کلی نظریه‌های ادبی و نقد دارد چرا که مقوله شعر در قلمرو تعریف و نقد همواره مورد توجه نظریه پردازان ادبی بوده است. مباحث نظری پیرامون شعر که از زمان ارسطو آغاز شده دارای اهمیت ویژه‌ای است به خصوص در قرن بیستم با تأثیر پذیری از دستاوردهای دانش زبان شناسی و همچنین نظریه‌های شعری مطرح در آراء صورت گرایان روس و پس از آن ساختارگرایان جایگاه ویژه‌ای برای آن فراهم شده است. در حوزه زبان شناسی با تکیه بر آراء سوسور و نظریه پردازان نشانه شناسی، روشهای مؤثری برای درک جایگاه ویژه شعر در نظام زبان ارائه شده است.

در بررسی زبان غزل‌های حافظ تا کنون کتب و مقالات متعددی پدید آمده است. مجموعه مقالات موجود که توسط نصرالله پورجوادی (۱۳۷۰)، حسینعلی هروی (۱۳۶۳)، مسعود فرزاد (۱۳۶۷) و فاطمه کریمی (۱۳۶۷) گردآوری شده، حاوی مطالبی پیرامون ویژگی‌های زبان غزل حافظ است. در موسیقی شعر شفيعی کدکنی (۱۳۶۸) و نقش آفرینیهای حافظ تألیف خسرو فرشیدورد (۱۳۷۵) نیز تا حدی به مقوله زبان غزل‌های حافظ پرداخته شده است.

در باب غزل و سیر آن از آغاز تا کنون نیز آثاری موجود است که از آن میان می توان به آفاق غزل داریوش صبور (۱۳۷۰) و سیر غزل در شعر فارسی سیروس شیمسا (۱۳۷۶) اشاره کرد. اما درباره ابتهاج و شعر او که محور اصلی این پژوهش است، آثار معدودی پدید آمده است که مهمترین آن در زلال شعر کامیار عابدی (۱۳۷۷) است. محمد جعفر یاحقی نیز در جویبار لحظه‌ها (۱۳۷۸) ۱ شماره‌ای مختصر به زندگی و شاعر ابتهاج کرده است اما تا کنون اثر مستقلی در زمینه بررسی غزل ابتهاج از نظر زبانی و مقایسه آن با غزل حافظ تألیف نشده است بنابراین در این پژوهش کوشش می‌شود تا به این مقوله پرداخته شود.

۱-۵-اهداف طرح:

- تحقیق و پژوهش درباره میزان تأثیر پذیری ابتهاج از زبان غزل‌های حافظ.
- بررسی نوآوری‌های ابتهاج در زمینه ساختار غزل.
- میزان تأثیر زبان شعر نیمایی بر غزل ابتهاج.

۱-۶-اهمیت و ضرورت تحقیق

غزل که یکی از قالب‌های کهن و پرتعداد شعر فارسی است در طی حیات هزار ساله خویش کارنامه درخشانی از خویش بر جای نهاده است. این قالب شعری در قرن هشتم و با حافظ به اوج خود رسید. حافظ که توانست پرشکوهترین قله‌های غزل را رندانه فتح کند شاعران زیادی را که طعم رسیدن به نام و آوازه‌ای همچون او داشتند، به این عرصه و طبع آزمایی در آن کشانید تا جایی که این قالب کهن در شعر معاصر نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و در کنار شاعرانی که به قالب‌های نو شعری مانند نیمایی، سپید، حجم و ... روی آورده‌اند، شاعرانی نیز هستند که به غزل سرایی می‌پردازند.

غزل معاصر خود به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. برخی از غزل‌سرایان چون شهریار و پژمان بختیاری ادامه دهنده شیوه عراقی‌اند و بعضی چون امیری فیروز کوهی و پرتو بیضایی به شیوه اصفهانی غزل می‌سرایند. عده‌ای نیز روش متعادلی میان روش عراقی و اصفهانی در پیش گرفته‌اند و بالاخره گروهی از غزل‌سرایان نیز به نوعی غزل که به آن *غزل نو* یا *تصویری* می‌گویند روی آورده‌اند. در روش اخیر از امکانات شعر نو چه از نظر زبانی و چه از نظر مضمون استفاده شده است. این مشخصه در غزل‌های هوشنگ ابتهاج (ه. ا. ابتهاج) که یکی از بزرگترین غزل‌سرایان معاصر است دیده می‌شود. علاوه بر آنچه ذکر شد، غزل‌های ابتهاج به ویژه از نظر زبانی، شباهت

زیادی نیز به غزل‌های حافظ دارد که با توجه به این شباهت و اینکه ابتهاج در سیر غزل سرایی معاصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بررسی زبان غزل‌های وی در مقایسه با زبان غزل‌های حافظ کمک شایانی به آشنایی با نظم فارسی و نقد ادبی معاصر و نیز حافظ‌شناسی خواهد کرد. در این پایان‌نامه کوشش می‌شود تا این مقایسه با تمرکز بر صورت و ساختار غزل‌های حافظ و ابتهاج از دیدگاه زبان‌شناسی صورت گیرد.

۱-۷- کاربرد نتایج تحقیق

این پایان‌نامه می‌تواند برای پژوهشگران غزل به ویژه غزل معاصر و کسانی که به بررسی اهمیت و جایگاه شاعران معاصر در غزل می‌پردازند، مورد استفاده قرار گیرد همچنین این پژوهش می‌تواند راهگشای شاعران جوانی باشد که به غزل سرایی علاقه دارند نیز از آنجا که به نقد غزل‌های ابتهاج از دیدگاه ساختارگرایی پرداخته می‌شود، برای ناقدان شعر معاصر نیز می‌تواند منبع مناسبی باشد.

فصل دوم : زندگی و آثارهوشنگ ابتهاج (ه.ا.ابتهاج)

۱-۲- زندگی

۲-۲- فعالیت‌های هنری ، فرهنگی و اجتماعی ابتهاج

۳-۲- آثار و اشعار ابتهاج

۱-۳-۲- اشعار ابتهاج

۲-۳-۲- آثار ابتهاج

۳-۳-۲- گفتارها و گفتگوهای ابتهاج

فصل دوم: زندگی و آثار هوشنگ ابتهاج (ه. ا. ه. ۱۰۱. ابتهاج)

۲-۱- زندگی

امیر هوشنگ ابتهاج متخلص به (ه. ا. ه. ۱۰۱. ابتهاج) در ششم اسفند ماه ۱۳۰۶ در خانه‌ای نزدیک سبزه میدان رشت به دنیا آمد. پدر او «آقا خان ابتهاج» فرزند «ابتهاج الملک تفرشی» و مادرش «فاطمه رفعت» فرزند «رفعت الممالک» هر دو از بزرگ زادگان رشت بودند.^۱

امیر هوشنگ تنها پسر خانواده بود: «بعد از من سه تا دختر به دنیا آمدند و ضمناً یک پسر هم قبل از من نیامده، رفت. خیلی برای خانواده‌ام اهمیت داشتم و خیلی عزیز کرده و خود سر و خودرأی و لوس و از خود راضی بارآمدم.»^۲

ابتهاج تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه خود را در مدارس عنصری، قانلی، لتمان و شاپور رشت گذراند اما آن گونه که باید کوشا و ساعی نبود. بر خلاف آن توجه و علاقه زیادی به آشپزی، گلدوزی، خیاطی، موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی، ورزش کشتی و وزنه برداری داشت و مدتی نیز، به هر یک از آنها پرداخت.^۳

ابتهاج تا سال ۱۳۲۴ در کنار خانواده و دوستانش در رشت مشغول فعالیتهای مذکور بود اما در این میان اندیشه رفتن به پایتخت و زندگی در آنجا را نیز در سر می‌پروراند، سرانجام نیز در سال ۱۳۲۵ این اندیشه وی را عازم تهران کرد.^۴

پس از رفتن به تهران، وی در مدرسه تمدن نام نویسی کرد اما پس از آنکه دو سال کلاس پنجم متوسطه را رد شد، درس خواندن را رها کرد.^۵

در اولین سالهای ورودش به تهران با دختر به نام «آلما مایکیال» که در مدرسه دخترانه ژاندارک تحصیلی می‌کرد، آشنا شد. همزمان با این آشنایی وی با «مهدی حمیدی شیرازی» و «فریدون توکلی» نیز آشنا شد.^۶

۱- کامیار عابدی: در زلال شعر، تهران: نشر ثالث، ۱۳۷۷، ص ۱۱-۱۲.

۲- بیژن اسدی پور: «حدیث نفس» دفتر هنر، س ۳، ش ۵، اسفند ۱۳۷۴، ص ۵۷ به نقل از کامیار عابدی: در زلال شعر، ص ۱۲.

۳- کامیار عابدی: در زلال شعر، ص ۱۲-۱۳.

۴- همان، ص ۱۵.

۵- بیژن اسدی پور: «حدیث نفس» ص ۵۱۸ به نقل از کامیار عابدی: در زلال شعر، ص ۱۹.

۶- کامیار عابدی، در زلال شعر، صص ۲۱-۲۲.

در سال ۱۳۲۶؛ یعنی یک سال بعد از آمدن امیر هوشنگ ابتهاج به تهران، مادر وی از دنیا رفت. چند ماهی بعد از مرگ مادر ابتهاج، پدرش به تهران آمد اما نتوانست برای مدت زیادی در آنجا بماند و خیلی زود به رشت بازگشت.^۱

در سال ۱۳۲۷ ابتهاج با شاعر پر نام و آوازه آن زمان؛ یعنی «سید محمدحسین شهریار» آشنا شد. دوستی آنها با یکدیگر چنان بود که بعد از اینکه شهریار در سال ۱۳۳۲ به شهر خود بازگشت، ارتباط آنها به صورت مکاتبه‌ای ادامه یافت. قدر و منزلت ابتهاج در نزد شهریار چنان بود که وی به ویژه در غزل، جز خود تنها ابتهاج را در خور اهمیت می دانست^۲ و جز «حافظ که تقریباً ملازم همیشگی شهریار بوده و پس از نیما که بر دوره ای از زندگی و شعر شهریار ابتهاج افکنده است، هیچ شاعر دیگری این همه در شعر شهریار یاد نشده و متقابلاً نیز شهریار در شعر هیچ شاعر معاصر، نام و یاد و تکریمش این همه تکرار نشده است.»^۳

در سال ۱۳۳۰ ابتهاج با شاعر پر آوازه دیگری به نام «نیما یوشیج» آشنا شد. آشنایی او با نیما و شاعران جوان دیگری چون نادر نادر پور، سیاوش کسرایی، احمد شاملو، فروغ فرحزاد و عده ای دیگر شاعران که غالباً تمایل به نوگرایی داشتند، سبب ایجاد تحولاتی در شعر و زندگی ابتهاج شد.^۴ (پیرامون این تحولات در قسمت بعدی که به بررسی آثار ابتهاج پرداخته می شود، توضیحات لازم داده خواهد شد.)

اندکی بعد از مرگ مادر، ابتهاج خیلی زود در سال ۱۳۳۲، پدرش را نیز از دست داد. وی پیش از مرگش، کاری برای ابتهاج دست و پا کرد و ابتهاج به عنوان یک عضو دفتری در شرکت ساختمانهای کشوری استخدام شد. یکسال بعد نیز که شرکت سیمان تهران راه اندازی شد، ابتهاج به آنجا منتقل شد و تا سال ۱۳۵۴ مشغول به کار بود. ابتهاج در سال ۱۳۳۷ با «آلما مایکیال» که در همان سال اول ورودش به تهران با وی آشنا شده بود، ازدواج کرد. ثمره این ازدواج چهار فرزند به نامهای «یلدا»، «کیوان»، «آسیا» و «کاوه» بود که در فاصله سالهای ۱۳۴۱-۱۳۳۸ به دنیا آمدند.^۵

ابتهاج در سال ۱۳۶۲ زندانی شد و یک سال بعد؛ یعنی در اردیبهشت سال ۱۳۶۳ از زندان رهایی یافت. ثمره این دوران مثنوی بانگ نای و تعدادی رباعی و چند است.

۱- کامیار عابدی: در زلال شعر، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۲۵.

۳- حسین منزوی: شاعر شیدایی و شیوایی، تهران انتشارات برگ، ۱۳۷۲، صص ۲۳۳-۲۳۲ به نقل از کامیار عابدی: در زلال شعر، ص ۲۶.

۴- کامیار عابدی: در زلال شعر، ص ۳۱-۳۰.

۵- همان، صص ۴۱-۴۰.